

ژاله عزیز

از تاخیر در نوشتن جواب نامه پوزش خواهم. همانطور که نوشته بودم پیغام است را به خانم زاده اسمعی دادیم.

انگیزه نوشتن نامه امروزم جواب دیت است. فراب امید که همه مادر ایران و در خانه ای که هم جمع شده ایم و حتی ژرفه ایم، تو از خاطرات کفرت مکتبی و آنگاه شهرت مستوفانی، همه مشغول نوشتن و یادمانند و فریاد است و غیره. محض بیدار شدن به سهدا گفتم که قهقهه با به بی طرفی شده جواب نامه ژاله را نه هم. اینست که پس از فرودن صبحانه به نوشتن مشغولم. میدانی که وقت بسیار تنگ است و گرفتارم خانم زاده؟ نزدیک زیاد. برکتی و نگرانی دیگر شد فاسیم در اینجی در سارها هم حال در هر صله امان را برده، انبار صبايات آنها بعضی از اینست که در اخبار ای با آن را الی و تکثیر کردن یا در زنده نگه داشتن مسترد، اینها هم در خارج و صفا و افکاران فاجعه و آنکه آنها در جرحی هم در تجاوز جوانان فاسیم هستند. منبرنده و مستور باشند

و همینست منبراند یا منبراند مکتوبان را بطور صریح بگردد. سهدا ضعیف سلام میرساند، پیر سهدا هم بویژه وقتی نشیند که عاقله بگره سلامت کرده ایم ضعیف فرستاده و سلام رساند. ان الله ما یبکر بکدر یا اینها با آنجی به بنیم و شعور خراشیم و شنویم، تعریف ما هنر زورشن نیست، نماند که هر که قرار بود در لندن سرگردان شود همچنان فارغش است. رفعت و تنهایی ناشی از همین ستر اعیاست سخت شود و حوصله بر او عرفت فکر را از من گرفته، مرفقه بودن در روزی را با بامید روزی دیگر بپیمان کردن، منتظر و در زیر آوار نماند بدان ترس و نگرانی از آن بندگی که چه حالی بر او ترتیب نماند یا چیز از یک دست منبرند.

ژاله جان من کسی اثر با صلح و صفا آفت است کردم، ولی زنده می دراصل پس لندن را غنیمت بدان. سلام به دوستان ما برسان، نوری صائم و طاهره صائم و همه و فرزندان را، و دوستان دیگر، با ما نیز که لایه این روزها در ایران است تماس داریم. آنگاه، دیگر زبان تراجم عشریم، شاید در سال نو سرور به لندن بنویسیم، به فرزندان فریب نیز سلام ما برسان، برایت آرزوی سلامت و موفقیت ها می داریم بهتره هنر داریم. ان الله در ایدار لبه مسوولان نامه ای بر ایران خواهد فرزند

وبات حال